

در مراسم دعای نبه هیئت رزمندگان اسلام

**پناهیان: گویا مسأله اصلی در آستانه ظهور، درگیری ایمان و نفاق است؛ نه ایمان و کفر/ پیامبر(ص): برای امتم، نگران منافقین زبان دانم، نه کفار/ امروز کفار هم منافقانه عمل می کنند/ سیاستمداران بیش از مردم عادی در معرض نفاق هستند/ «جهادگریزی» و «گرایش به کفار»، دو ویژگی منافقین در قرآن/ نمی شود به سادگی به کسی گفت: «تو منافقی!»، این کار صحیح نیست/ نگویید «چرا حرمت بعضی ها حفظ می شود؟»، این خصوصیت جامعه اسلامی است که با نفاق نجیبانه برخورد می کند +صوت**

پناهیان: ما امروز با یک جهان سرشار از نفاق روبرو هستیم. اخیراً کافران هم منافقانه عمل می کنند. الان نان کفر هم در نفاق است! دولت خبیث آمریکا و انگلیس، رسماً می گویند: «ما می خواهیم با تروریست، مقابله کنیم» اما خودشان تروریست تولید می کنند... بنده به همه سیاستمداران کشورمان احترام می گذارم ولی باید صریحاً گفت که سیاستمداران بیش از مردم عادی در معرض نفاق هستند؛ همچنانکه سیاستمداران بیش از مردم عادی نیاز به تقوا دارند، و همچنانکه سیاستمداران بیش از مردم عادی باید به تقوا توصیه شوند. نگویید که «اگر بعضی ها آدم های بدی هستند، پس چرا حرمت شان حفظ می شود؟!» این خصوصیت جامعه اسلامی است که بسیار نجیبانه برخورد می کند.

حجت الاسلام پناهیان در سخنرانی پیش از دعای ندبه هیئت رزمندگان اسلام در شهر پرنده که به طور زنده از شبکه اول سیما پخش می شد به تبیین علل شکل گیری نفاق و چگونگی از بین رفتن نفاق در جامعه مهدوی پرداخت. در ادامه فزاهایی از این سخنرانی را می خوانید:

**گویا مسأله اصلی در آستانه ظهور، درگیری ایمان و نفاق است؛ نه ایمان و کفر**

- یکی از عبارات بسیار عجیب، در ادعیه ای که درباره حضرت ولی عصر(عج) وجود دارد، فرازی از دعای افتتاح است که می خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تَعَزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النَّفَاقَ وَ أَهْلَهُ» (مصباح المتهجد/۵۸۱/۲) یعنی خدایا! ما آن دولت کریمه ای را آرزو داریم (تقاضا و تمناً داریم) که به واسطه آن دولت- که همان دولت حضرت ولی عصر(عج) است- اسلام و اهلس عزیز می شوند و نفاق و اهلس، دلیل می شوند.
- دقت کنید که در این فراز از دعا، سخنی از «کفار» به میان نیامده است. انگار مسأله اصلی ظهور، مسأله درگیری بین ایمان و نفاق است، نه درگیری بین ایمان و کفر. درباره عبارت «تَعَزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ» این سؤال پیش می آید که وقتی مسلمانان و مؤمنان عزیز شوند، طبیعتاً نفاق هم پدید می آید، حالا شما با این نفاق چه کار خواهید کرد؟ لذا فراز بعدی «تُذِلُّ بِهَا النَّفَاقَ وَ أَهْلَهُ» این قید را می گذارد که این اسلام به گونه ای عزیز خواهد شد که نفاق هم در آن دلیل خواهد شد. یعنی دیگر مانند صدر اسلام نخواهد بود؛ در صدر اسلام، اسلام عزیز شد اما نفاق هم جان گرفت. مثل اینکه وقتی یک باغ را آبیاری می کنند، در واقع می خواهند گل ها یا درختان میوه را آب بدهند، اما طبیعتاً علف هرزه ها نیز آب می خورند.

**وقتی اسلام در جامعه ای عزیز شد، طبیعتاً منافق هم درست می شود**

- وقتی اسلام در جامعه ای عزیز شد، معلوم است که عده ای هم پیدا می شوند که نان شان در ادعای مسلمانی خواهد بود، لذا منافق هم درست می شود. گویا در ضمن عبارت «تَعَزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ» این سؤال مستتر است و جوابش در عبارت بعدی «تُذِلُّ بِهَا النَّفَاقَ وَ

أَهْلُهُ» داده شده است: که ای مؤمنین! ترسید؛ این بار مانند قبل نخواهد بود، این بار اسلام عزیز خواهد شد و نفاق ذلیل خواهد شد. و این یک پیچیدگی خاصی در مسأله ایجاد می کند.

- اغلب امکان ندارد که شما در جامعه ای، مؤمنین را تحویل بگیرید(خصوصاً اینکه حکومت هم به دست مؤمنین بیفتد) اما در این جامعه، منافق درست نشود! آیا چنین چیزی می شود؟! امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: دو گروه کمر مرا شکستند؛ یکی مقدسین نادان و یکی هم منافقین دانا (قَطَعَ ظَهْرِي زَجَلَانِي مِنَ الدُّنْيَا زَجُلٌ عَلَيْهِمُ اللِّسَانُ فَاسْبِقْ وَ زَجُلٌ جَاهِلُ الْقَلْبِ تَأْسِكُ... سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ يَا عَلِيُّ هَلَاكَ أُمَّتِي عَلَى يَدَي كُلِّ مُنَافِقٍ عَلَيْهِمُ اللِّسَانُ؛ خصال/۶۹/۱)

**پیامبر(ص): برای امت نگران منافقین زبان دانم، نه کفار!**

- رسول خدا(ص) می فرماید: من برای امتم از کافر(مشرک) یا مؤمن نمی ترسم، کافر که تکلیفش مشخص است و مؤمن هم به امر خدا مقید است، من از «منافق علیهم اللسان» می ترسم؛ منافقی که از زبان خودش خوب استفاده می کند و مسائل را می پیچاند.(إِنِّي لَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مُؤْمِنًا وَ لَا مُشْرِكًا أَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَمْنَعُهُ اللَّهُ بِإِيمَانِهِ وَ أَمَّا الْمُشْرِكُ فَيُخْزِيهِ اللَّهُ بِشِرْكِهِ وَ لَكِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ كُلَّ مُنَافِقٍ غَالِمٍ اللِّسَانُ يَقُولُ مَا تَعْرِفُونَ وَ يَعْمَلُ مَا تَكْفُرُونَ لَيْسَ بِهِ حَقًّا؛ الغارات/۱۵۷/۱)

- **بحث از نفاق، بحث دلچسبی نیست و بنده ابراز تأسف می کنم از اینکه دارم درباره نفاق بحث می کنم، اما چاره ای نیست. امیرالمؤمنین(ع) می فرماید: قرآن و معارف دینی شناخته نمی شوند، مگر اینکه کسانی که آیات حق را نمی پذیرند، شناخته شوند.**(وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرَّشِدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكْتُمْ وَ لَمْ تَأْخُذُوا بِمِثَاقِ الْكِتَابِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَقَضْتُمْ وَ لَنْ تَمْسُكُوا بِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَبَذْتُمْ وَ لَنْ تَتْلُوا الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي حَرَفْتُمْ؛ کافی/۳۹۰/۸)

**مسأله کفر بعد از ۲۰ سال حل شد اما اسلام ۱۴۰۰ سال است گرفتار «نفاق» است**

- جریان نفاق، جریان هولناکی است. پیامبر گرامی اسلام(ص) حدود ۱۳ سال-در مکه با کفار درگیر بودند- اما در مجموع تقریباً بعد از ۲۰ سال، مسأله کفار را جمع کردند و دو سه سال آخر، دیگر مسأله ای به نام کفر در منطقه نبوت و رسالت پیامبر(ص) نبود. یعنی مشکل کفر، تقریباً به سادگی حل شد ولی الان ۱۴۰۰ سال که گرفتار نفاق هستیم. حالا شما کفر و نفاق را با هم مقایسه کنید؛ ۲۰ سال در مقابل ۱۴۰۰ سال!

**امروز کافران هم منافقانه عمل می کنند/ امروز با جهانی سرشار از نفاق مواجهیم**

- ضمن اینکه ما اخیراً در جهانی زندگی می کنیم که کافران هم به منافقین پیوسته اند؛ یعنی کافران هم منافقانه عمل می کنند. به اصطلاح «الان نان کفر هم در نفاق است!» دولت خبیث آمریکا و انگلیس، مخفیانه تروریست های داعشی را کمک می کنند، ولی به صورت علنی، علیه آنها ستاد تشکیل می دهند! رسماً می گویند: ما می خواهیم با تروریست، مقابله کنیم، اما خودشان تروریست تولید می کنند. تصور می کنند که مردم دنیا عقل ندارند! وزیر خارجه سابق آمریکا در کتاب خودش نوشته است: «ما داعش را در این منطقه درست کردیم»(خبرگزاری فارس/ کدخبر ۱۱۷۰۰۱۱۷۰۰۶۱۸۰۰۱۳۹۳) ولی آنها الان ادعای درگیری با تروریست ها را دارند! کاملاً دارند منافقانه برخورد می کنند. اصلاً ما امروز با یک جهان سرشار از نفاق روبرو هستیم.

- اینکه می فرماید: «اسلام عزیز خواهد شد و نفاق ذلیل خواهد شد» باید بدانیم که در حکومت و جامعه مهدوی، اسلام به صورتی عزیز می شود که نفاق ذلیل می شود. یعنی باید یک طوری اسلام را عزیز کرد و یک طوری به اسلام پرداخت که نفاق در آن از بین برود.

### امام صادق(ع): آیات مربوط به منافقین، درباره «شیعه منافق» نیز هست

- در اینجا چند آیه و روایت درباره نفاق و منافقین خدمت شما تقدیم می‌کنم و بعد به این مسأله می‌پردازم که «چگونه می‌شود اسلام عزیز شود و نفاق هم ذلیل شود؟» در حالی که طبیعتاً اگر اسلام در جایی عزیز شود، نفاق هم رواج پیدا می‌کند. چون برخی -در جامعه اسلامی- برای اینکه دست‌شان به یک جایی بند شود، ادعای اسلام و مسلمانی می‌کنند که این می‌شود «نفاق». البته این یک مثال ساده برای نفاق است.
- امام صادق(ع) می‌فرماید: «هیچ آیه‌ای درباره منافقین نازل نشده است، مگر اینکه این آیه درباره شیعه منافق نیز هست؛ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى آيَةٌ فِي الْمُنَافِقِينَ إِلَّا وَهِيَ فِيْمَنْ يَنْتَحِلُ الشُّعْبَ» (رجال کشی/۲۹۹) لذا ما نمی‌توانیم بگوییم: «ما مرید اهل بیت(ع) هستیم، پس بحث نفاق به ما ربطی ندارد!» در روایت دیگری آمده است: «فتنه‌های آخرالزمان برای غربال کردن و بیرون ریختن منافقین در میان شیعیان است.» (امام صادق ع: ... فَإِنَّهُ تَمْتَدُّ أَيَّامٌ عَبَّيْتَهُ يُصْرَحُ الْحَقُّ عَنْ مَخْصِيهِ وَيَصُفُّ الْأَيْمَانَ مِنَ الْكَذْرِ بِارْتِدَادِ كُلِّ مَنْ كَانَتْ طَيْبَتُهُ خَبِيئَةً مِنَ الشَّيْعَةِ الَّذِينَ يُخْشَى عَلَيْهِمُ النَّفَاقُ إِذَا أَحْسَبُوا بِالْإِسْتِخْلَافِ وَ التَّمْكِينِ؛ کمال الدین/۲/۳۵۶)
- **بسیاری از عبارات دعای ندبه بر معنای «مرگ بر آمریکا و اسرائیل» دلالت دارد**
- درست است که اینها سخنان تلخی هستند، ولی تلخ‌تر از این مطالب، همین واقعیت‌های اطراف ما و این جنایاتی است که در منطقه دارد صورت می‌گیرد؛ کودکان را سر می‌برند، به نوامیس تجاوز می‌کنند. باید این جنایات را تمام کنیم، ما با همین دعای ندبه، باید جنایتکاران عالم را نابود کنیم.
- دعای ندبه، دعایی است که خیلی با بغض و غضب علیه ستم خوانده می‌شود. در دعای ندبه، انواع و اقسام عبارات وجود دارد که همه بر معنای «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» دلالت دارد. مثلاً آنجا که می‌گوییم: «کجاست نابودکننده کاخ‌های ستمگران... کجاست کوبنده بنیان شرک و نفاق؛ أَيْنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ، أَيْنَ الْمُتَنْظَرُ لِإِقَامَةِ الْأَمْتِ وَ الْعُوجِ، أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَ الْمُدُونِ... أَيْنَ قَاصِمُ شَوْكَةِ الْمُتَمَدِّنِينَ، أَيْنَ هَادِمُ أُبْنِيَةِ الشُّرْكِ وَ النَّفَاقِ» (المزار الکبیر/۵۷۹)
- **پیامبر(ص): علاقه به «مال» و «مقام» تولید نفاق می‌کند/ سیاستمداران بیش از مردم عادی در معرض نفاق هستند**
- روایت بعدی، شما را به یک بُعد دیگر از نفاق توجه می‌دهد، و آن هم این است که نفاق بیشتر یک مسأله سیاسی-اجتماعی است تا یک مسأله فردی. پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: «حب جاه و حب مال موجب روییدن نفاق در قلب می‌شود همچنانکه آب موجب روییدن گیاه می‌شود؛ حُبُّ الْجَاهِ وَ الْمَالِ يُنْبِتُ النَّفَاقَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يُنْبِتُ الْمَاءُ الْبُتْلَ» «مجموعه ورام/۲۵۶/۱) حب جاه و مقام نیز در واقع مربوط به عرصه سیاست است. **بنده به همه سیاستمداران کشورمان احترام می‌گذارم ولی باید صریحاً گفت که سیاستمداران بیش از مردم عادی در معرض نفاق هستند؛ همچنانکه سیاستمداران بیش از مردم عادی نیاز به تقوا دارند، و همچنانکه سیاستمداران بیش از مردم عادی باید به تقوا توصیه شوند.**
- حب جاه چیزی است که بسیاری از مردم معمولی از آن خبر ندارند. تقریباً ۹۹ درصد مردم نه می‌خواهند وزیر و وکیل شوند، نه می‌خواهند مدیر کل یا فرماندار و استاندار شوند، لذا کاری با این مقام‌ها ندارند؛ در صفای باطن خودشان هستند. ولی همان یک درصد می‌توانند این ۹۹ درصد را بدبخت کنند و در طول تاریخ بشریت همیشه همین‌طور بوده است. اخیراً در غرب تظاهراتی به نام جنبش وال‌استریت یا جنبش ۹۹ درصد علیه یک درصد راه افتاد؛ آنها نیز صریحاً همین مطلب را می‌گویند.

- با توجه به روایت فوق، همان‌طور که یک گیاه نیاز به آب دارد و آب نقش حیاتی و مهمی در رویش گیاه دارد، حب جاه و حب مال نیز برای روییدن نفاق، نقش آب را ایفا می‌کند. تقریباً بعید است که حب جاه باشد و نفاق نباشد؛ لذا انسان در این عرصه خیلی باید پرهیز کند.
- **«جهادگریزی» و «گرایش به کفار»، دو ویژگی منافقین در قرآن**
- حالا با توجه به آیات کریمه قرآن، یک مقدار از ویژگی‌های منافقین صحبت کنیم. یکی از ویژگی‌های نفاق در قرآن این است که می‌فرماید: «وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْ لَا نَزَلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا نَزَلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَ ذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُنظَرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمُمْسِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَى لَهُمْ» (محمد/۲۰) مؤمنین می‌گویند یک سوره‌ای نازل شود و خداوند به جنگ دستور بدهد تا ما به جنگ(جهاد فی سبیل الله) برویم، اما بعد از اینکه دستوری از جانب خدا می‌آید و در آن یک آیه روشنی برای جنگ می‌آید، کسانی که در قلب‌شان مرض هست، یک طوری به تو نگاه می‌کنند انگار دارند غش می‌کنند و مرگ آنها را می‌گیرد! یعنی وقتی دستور جهاد صادر می‌شود، چنان رنگشان می‌پرد و چشم‌شان از حدقه بیرون می‌زند، انگار مرگ آنها را گرفته است. رابطه آنها با جهاد این‌گونه است!
- یکی از ویژگی‌های اهل نفاق و بیمارلان این است که با «جهاد» مشکل دارند. باید به اینها گفت: «آیا اگر جهاد نکنی، سواد می‌کنی؟! برنده می‌شوی؟! مگر جز این است که اگر جهاد نکنی، زحمت تو بیشتر خواهد شد؟! مگر جز این که دلیل می‌شوی?!»
- در همین سوره مبارکه، یکی دیگر از مشکلات منافقین بیان شده است. اینکه منافقین یک سر و سیری با کافران دارند و به کافران می‌گویند: ما در برخی از زمینه‌ها حرف شما را گوش می‌دهیم! «ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ: سَطَطِينُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ» (محمد/۲۶) این هم یکی دیگر از ویژگی‌های منافقین است. این دو ویژگی منافقین بارها در قرآن کریم تکرار شده است. یکی اینکه منافقین «جهادگریز هستند» و دوم اینکه یک گرایشی به کافران دارند(فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ؛ مائده/۵۲)
- **منافق مشهور مدینه: نمی‌توانم با یهودی‌ها قطع ارتباط کنم؛ می‌ترسم**
- یکی از اصحاب پیامبر(ص) نزد ایشان آمد و گفت: من تا به حال با این یهودی‌هایی که در کنار ما زندگی می‌کردند رفیق بودم، ولی الان از آنها براءت می‌جویم، چون خیلی نامرد هستند و گفته‌اند که اگر ما بخواهیم با مسلمان‌ها بجنگیم، آنها را نابود می‌کنیم. عبدالله بن ابی-منافق مشهور مدینه که در این جلسه حضور داشت- با شنیدن این مطلب گفت: اما من نمی‌توانم با یهودی‌ها قطع ارتباط کنم! چون می‌ترسم به من آسیب بزنند. اما رسول خدا(ص) عبدالله بن ابی را توبیخ کرد و او نیز به‌ظاهر قبول کرد که از یهودی‌ها براءت بجوید، اما به‌واقع هیچ‌وقت این کار را انجام نداد.(مجمع البیان/۳/۳۱۸)
- **خدا نمی‌گذارد بدی در قلب منافق پنهان بماند و در همین دنیا «رسوا» می‌کند**
- حالا دو نمونه از برخورد خداوند تعالی با منافقین را هم ببینیم؛ یکی در دنیا و یکی در آخرت. یکی از برخورد‌های پروردگار با منافقین این است که نفاق آنها را رو می‌کند و این یک جراحی برای جامعه است! در جامعه‌ای که منافقین در آن وجود دارند، بالاخره این نفاق باید با یک جراحی، رو بیاید. خداوند می‌فرماید: «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ» (محمد/۲۹) یعنی آیا کسانی که در قلب‌شان مرض هست، فکر می‌کنند که خداوند مرض آنها را رو نمی‌کند؟!!

• شما در همین جریان انقلاب ببینید؛ چه کسانی بودند که چه مرض‌هایی از خودشان نشان دادند! ضدانقلابی‌ترین و بی‌دین‌ترین آدم سیاسی هم، اگر در جریان فتنه ۸۸ قرار می‌گرفت چه پیشنهادی به سران فتنه می‌داد؟ می‌گفت: «شما بگویید "بالاخره تخلف شده ولی ما بزرگوارانه برخورد می‌کنیم و صبر می‌کنیم." اگر محترمانه برخورد کنید، همه می‌گویند: عجب آدم نجیبی! در این صورت عزیز می‌شوید و چهار سال بعد شما رییس‌جمهور خواهید شد.» اما چرا آنها این نجابت را به خرج ندادند؟ اینها کار خداست که می‌خواهد «ما فی الضمیر» آدم‌ها را رو بیاورد. خدا نمی‌گذارد بدی در قلب‌شان پنهان بماند.

کار سران فتنه حتی از نظر سیاسی به نفع خودشان نبود/ اگر صبر می‌کردند، دفعه بعد رییس‌جمهور بودند

- اصحاب فتنه نفاق و بدی خودشان را نشان دادند، و الا هیچ کار عاقلانه‌ای انجام ندادند؛ چون اگر صبر می‌کردند، دفعه بعد رییس‌جمهور بودند! و این با ساده‌ترین محاسبات سیاسی معلوم می‌شود. یعنی لازم نیست که از نظر دینی و انقلابی و قانونی بگوییم که کار آنها غلط بود، بلکه از نظر سیاسی هم می‌توان گفت که کار آنها اشتباه بود؛ یعنی به نفع خودشان هم نبود.
- یک نمونه از برخورد پروردگار با منافقین در این دنیا این است که آنها را رسوا می‌کند و در آخرالزمان این مسأله بیشتر است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «از فتنه‌های آخرالزمان بدتان نیاید، این فتنه‌ها منافقین را لو می‌دهد؛ لا تَكْرَهُوا الْفِتْنَةَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ فَإِنَّهَا تُبْرِئُ الْمُنَافِقِينَ» (کنز العمال/ ۳۱۱۷۰) فتنه‌های آخرالزمان خصوصاً این طوری است که منافقین را رسوا می‌کند.

بدگمانی و عدم اعتماد به خدا یکی از ریشه‌های نفاق/ برخورد پروردگار عالم با منافقین، در روز قیامت چگونه است؟

- حالا برخورد پروردگار عالم با منافقین، در روز قیامت چگونه است؟ می‌فرماید: «وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الطَّائِفِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السُّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا» (فتح/ ۶) خداوند مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را عذاب می‌کند، کسانی که به خدا گمان بد دارند، پیشامدهای بد در انتظار خودشان است، و خدا بر آنها غضب کرده و لعنتشان کرده و جهنم را برای اینها آماده کرده است و جهنم بد جایگاهی است.
- یکی از ریشه‌های نفاق این است که نسبت به خدا بددل هستند و نمی‌توانند به خدا اعتماد کنند. لذا کسی که می‌خواهد نفاق را در خودش از بین ببرد، باید مراقب باشد که به خداوند سوء ظن نداشته باشد بلکه به او خوش‌گمان باشد. خوش‌گمان باشد به اینکه «خدایا! تو ما را کمک می‌کنی و حمایت می‌کنی...»

نمی‌شود به این سادگی به کسی گفت: «تو منافقی!»، این کار صحیح نیست/ خیلی کم بوده که اولیا. خدا به کسی «منافق» گفته باشند

- در نحوه برخورد با منافقین دقت کنید که نمی‌شود به این سادگی به کسی گفت: «تو منافق هستی!» این کار صحیح نیست. مگر اینکه کسی خودش نفاق خودش را رو کرده باشد. بنده خیلی کم دیده‌ام که در تاریخ اسلام، اولیاء خدا به کسی بگویند «منافق!» البته اباعبدالله الحسین (ع) در صحرائی کربلا به مخاطبین خودش (دشمنان مقابلش) فرمود: «شما بعد از ایمان، کافر شدید!» یعنی اینکه «شما منافق شده‌اید که دارید مرا می‌کشید» و تعریف نفاق در سوره منافقین این است که اینها کفر بعد از ایمان دارند (ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ؛ منافقین/ ۳)

- ایستادن و شمشیر کشیدن، در مقابل ولی خدا و حکم خدا، مثل کفر بعد از ایمان است. و الا تا وقتی که چنین کسی، هنوز شمشیر نکشیده است-هرچند شما می‌دانید که او یک مشکلی دارد- نمی‌توانید به این سادگی به او بگویید: «تو منافق هستی!»

پیامبر(ص) با منافقین مدینه کریمانه برخورد می‌کرد/ نگوید: «چرا حرمت بعضی بدها حفظ می‌شود؟!»، این خصوصیت جامعه اسلامی است که با نفاق نجیبانه برخورد می‌کند

- برخورد با منافقین در جامعه اسلامی به گونه‌ای است که معمولاً تا دقیقه ۹۰ منافقین، شبیه مؤمنین رفتار می‌شود. یعنی منافقین تا دقیقه ۹۰ تحمل می‌شوند، و به آنها احترام گذاشته می‌شود، همان‌طور که پیامبر اکرم (ص) با منافقین مدینه (مانند عبدالله بن ابی) بسیار کریمانه و بزرگوارانه برخورد می‌کردند. پس نگوید که «اگر بعضی‌ها آدم‌های بدی هستند، پس چرا حرمت‌شان حفظ می‌شود؟!»، این خصوصیت جامعه اسلامی است که بسیار نجیبانه برخورد می‌کند.

اگر پیامبر(ص) بزرگوارانه با منافقین برخورد کند، پس مردم چگونه منافقین را تشخیص دهند؟

- برخورد ما با نفاق، ساده نیست. شاید بپرسید: «وقتی رهبر جامعه اسلامی به تبعیت از پیامبر اکرم خیلی بزرگوارانه با نفاق برخورد کند، مردم که متوجه نمی‌شوند؟» پاسخ این است که ویژگی «تُذَلُّ بِهَا النِّفَاقُ وَ أَهْلُهُ» وقتی اتفاق می‌افتد که مردم همین قاعده ساده را بفهمند. یعنی بفهمند که رهبر جامعه اسلامی بزرگوارانه با نفاق برخورد می‌کند، و خودشان باید بفهمند چه کسی منافق است.
- اگر برخورد با نفاق، خیلی کریمانه و بزرگوارانه باشد و رهبران دینی جامعه بخواهند با نفاق، خیلی نجیبانه و نرم برخورد کنند، پس مردم چگونه بفهمند که اینها منافق هستند و آدم‌های بدی هستند؟ مردم خودشان باید بفهمند چه کسی منافق است. و هر وقت که مردم خودشان این را فهمیدند، امام زمان (ع) نیز خواهد آمد. ضمن اینکه علائم زیادی برای تشخیص منافقین وجود دارد که برخی از آنها را در این جلسه بیان کردیم.

- چه می‌شود که در زمان ولی عصر (عج) منافقین لو می‌روند و دلیل می‌شوند؟ به‌خاطر اینکه مردم خیلی هوشیار هستند. اگر مردم علائم نفاق را بدانند، آن وقت اگر کسی بخواهد منافقانه یک چیزی بگوید، مردم می‌فهمند که او مشکل دارد. لذا منافقین خودشان رسوا خواهند شد. چون منافق همیشه یک طوری از حق دفاع می‌کند که می‌خواهد از آن سوء استفاده کند. لذا در فلتات لسان خود، بالاخره یک طوری، بیماری خودش را نشان می‌دهد (امیرالمؤمنین (ع): مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَاتِ لِسَانِهِ وَ صَفْحَاتِ وَجْهِهِ؛ نهج البلاغه/ حکمت ۲۶)

